

# شش کوشه می هفت

❖ فضیلت زیارت کربلا  
❖ متن و ترجمه می بلندترین زیارت سیدالشهدا علیه السلام

دکتر سید محمد کدبنی هاشمی

به قلم: سعید مقدس

سرشناسه: بنی‌هاشمی، محمد ۱۳۴۶  
 عنوان قراردادی: کامل‌الزیارات. فارسی - عربی. برگزیده.  
 عنوان و نام پدیدآور: شش‌گوشه بهشت: «فضیلت زیارت کربلا»، محمد بنی‌هاشمی؛ به قلم: سعید مقدّس؛ به انضمام متن و ترجمه بلندترین زیارت سیدالشهدا (علیه‌السلام).  
 مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۷.  
 مشخصات ظاهری: ۲۱۲ ص.  
 شابک: ۸-۰۸۶-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸  
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا.  
 یادداشت: کتابنامه: ص ۲۰۹-۲۱۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
 موضوع: حسین بن علی (علیه‌السلام)، امام سوم، ۴-۶۱ ق. آرامگاه، زیارت، احادیث، زیارتنامه‌ها - زیارتگاه‌های اسلامی، عراق، کربلا.  
 شناسه افزوده: مقدّس، سعید، ۱۳۵۸.  
 شناسه افزوده: ابن قولویه، جعفر بن محمد، ۳۶۸ ق. کامل‌الزیارات. برگزیده.  
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۶ ۵ ش ۹۵ ب / ۲ / ۲۶۲ BP  
 رده‌بندی دیوبی: ۲۹۷ / ۷۶۴۵ شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۸۱۷۷۵



شابک ۸-۰۸۶-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978-964-539-086-8

## شش‌گوشه بهشت

دکتر سید محمد بنی‌هاشمی  
 به قلم: سعید مقدّس  
 ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر  
 نوبت چاپ: سوم / ۱۳۹۵  
 تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه  
 حروفچینی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶  
 چاپ: ماه‌منظر

تهران، خیابان مجاهدین، چهارراه اسپردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹  
 تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (۶ خط)  
 اینستاگرام: monir\_publisher  
 پست الکترونیک: info@monir.com  
 کانال تلگرام: telegram.me/monirpub

این نوشتار ناقابل را  
از جانب دل که اختی ابا عبد الله علیه السلام  
مرحوم آیه الله شیخ جعفر شوشتری رحمه الله

به فدائیان با وفا

وسرمداران سرسپرده سید الشهدا علیه السلام  
تقدیم می داریم.  
آنان که در کلام امام صادق علیه السلام به عنوان  
«اولیاء الله و احبائه»  
لقب گرفتند.

۱- اولیاء خداوند و محبوب‌های او (مصباح المتجهّد ص ۷۲۲).



## فهرست

- ۱۱ ..... عریضه‌ای برای عرش نشین بهشت
- ۱۳ ..... پیش‌نهاد
- ۱۵ ..... فصل اول: جلوه‌هایی از شرافت زیارت و مزار سیدالشهدا علیه السلام
- ۱۷ ..... کربلا شریف‌تر از مکه
- ۲۲ ..... تواضع و شکر: سبب فضیلت کربلا
- ۲۴ ..... برتری کربلا نسبت به مکه با وجود واجب بودن حج در مکه
- ۲۷ ..... کربلا: مطاف ملائک
- ۲۹ ..... کربلا: محلّ نجوای خدا با انبیا
- ۳۰ ..... رحمت فراگیر خداوند برای زائر کربلا
- ۳۴ ..... همراهی ملائک با زائر سیدالشهدا علیه السلام
- ۳۷ ..... عبادت ملائک برای زائر امام حسین علیه السلام
- ۴۱ ..... زائر سیدالشهدا علیه السلام و سعادت در قیامت



دعا برای والدین در حین زیارت ..... ۱۰۹

شفای صدر امام حسین علیه السلام به ظهور امام عصر علیه السلام ..... ۱۱۳

لَبَّيْكَ داعی الله! ..... ۱۱۵

چرا هفت لبَّيْكَ؟ ..... ۱۱۸

«لَبَّيْكَ در پاسخ لبَّيْكَ» و «دادرسی» در جواب «فریادرسی» ..... ۱۲۹

عاقبت خوش نجات یافتگان به عنایت حسینی ..... ۱۳۲

فصل چهارم: متن و ترجمه زیارت شریف ..... ۱۳۷

فهرست منابع ..... ۲۰۹

ترک زیارت امام حسین علیه السلام و حسرت قیامت ..... ۴۴

داغدار اباعبدالله الحسین علیه السلام و ثواب‌های شگفت ..... ۴۵

دو محور کلّی در آداب زیارت سیدالشهدا علیه السلام ..... ۵۱

فصل دوم: جلوه‌هایی از عنایت اهل بیت علیهم السلام به زائر سیدالشهدا علیه السلام ..... ۵۵

دعای ملائک برای زائر: دستور اهل بیت علیهم السلام ..... ۵۷

زائران اشکبار سیدالشهدا علیه السلام یاوران حضرت زهراء علیها السلام ..... ۵۹

پیوند گریه بر امام حسین علیه السلام و گریه‌ی پشیمانی از گناهان ..... ۶۴

کربلا: حریم جاودان الهی ..... ۶۶

نشانه‌های نور بر پیشانی کربلائیان ..... ۷۰

زائر امام حسین علیه السلام و نجات از دوزخ ..... ۷۳

گناهان؛ مانع تأثیر مثبت عبادات ..... ۷۶

امید به آقایی امام حسین علیه السلام در مراحل مرگ تا قیامت ..... ۷۷

ترس از تأثیر گناهان، همپایه‌ی امید به برکات زیارت ..... ۸۵

میثاق سپاری نزد مدفون زنده‌ی کربلا ..... ۹۱

فصل سوم: معرفی بلندترین زیارت مأثور امام حسین علیه السلام ..... ۹۹

بهره بردن از زیارت تا حد امکان ..... ۱۰۲

متن زیارت سیدالشهدا علیه السلام: مکتب معارف الهی ..... ۱۰۳

حقارت بنده در مقابل عظمت خداوند ..... ۱۰۴

توجه به سیدالشهدا علیه السلام: توجه به خداوند متعال ..... ۱۰۷



## عریضه‌ای برای عرش‌نشین بهشت

یا ابا عبدالله! یا نعم الامیر!

اکنون که چشمان شریف شما بر این نوشتار می‌افتد، به شراره‌ی شرم خود سوخته‌ایم. ما کجا و آن عرش خدا که بر فرازش نشستہ‌اید؟ حقارت ما کجا و هیمنه‌ی شما؟ آلائش ما کجا و معصومیت شما؟ ما حتی لیاقت نداریم که خطاب به شما قلم دست بگیریم، چه رسد به اینکه توقع کنیم واژه‌هایمان را از نظر بگذرانید! حتی در خود نمی‌بینیم که هوای خدمتگزاریتان را داشته باشیم، چه رسد که بخواهیم اسم «غلام حسین» را برای خود با مستی بشناسیم! اگر در خیل خریداران بی‌بضاعت، ثبت ناممان کنید، منتی ماندنی به سرمان نهاده‌اید. در فهرست هوا دارانتان، اگر گوشه‌ای را هم به ما ببخشید، التفاتی بی‌منتها فرموده‌اید ... . آخر هر چه باشد، یک عمر پای علمتان سینه زده‌ایم، یک عمر صورت‌ها را به لطمه‌ی قطره‌های اشک خراشیده‌ایم، یک عمر هر کجا بوده‌ایم به نام شما شناخته شده‌ایم، همه‌اش از شما گفته‌ایم



## پیش‌نهاد

زیارت بقعه‌ی قدسی حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام هدیه‌ای الهی و تحفه‌ای ملکوتی است که پروردگار متعال به دوستداران و دلدادگان حضرتش عنایت فرموده است. آری خداوند خواسته که دل‌های اهل طاعت و اخلاص، پرکشیده‌ی کوی مبارک آن بزرگوار باشد.

این دل‌های گداخته به هر بهانه‌ای و با هر نشانه‌ای به یاد دیار بهشتی محبوبشان می‌افتند و هوایی مولایشان می‌شوند. شور نهفته در جان‌شان اشک می‌شود و از گوشه‌های چشمانشان بیرون می‌زند. اینان همیشه آرزوی کربلا دارند و پس از هر دیدار، دیری نمی‌گذرد که دوباره دلتنگ بین الحرمین می‌گردند. گاه و بیگاه برای آویختن به کعبه‌ی شش گوشه‌ی روحشان بی‌تاب می‌شوند و پرپر می‌زنند. خوش‌ترین خاطره‌های عمرشان ساعاتی است که در فضای پرفیض حائر حسینی تنفس کرده‌اند. زیباترین لحظات زندگیشان ثانیه‌هایی است که گونه به نوازش فرشتگان آن حریم روحانی سپرده‌اند. لذت زیارت حضرت اباعبدالله - جان عالمی به فدایش - همیشه در کامشان است و شیرینی بوسه زدن به تربت پاکش را با هیچ حظّ و بهره‌ای قابل قیاس نمی‌دانند. جان‌شان را برای همیشه دخیل ضریح آن محبوب کرده‌اند و از اعماق وجود، به آن آستانه‌ی افلاکی، گره خورده‌اند. بندبندشان را به ذره ذره‌ی آن خاک ملکوتی آویخته‌اند. سرسپرده و شوریده‌سر «کربلا» یند. این همه شوریدگی و سرسپردگی از سر محبت به حسین فاطمه علیهم السلام است. روح این محبت و سرچشمه‌ی آن، نور معرفتی است که خداوند به تفضّلش به دل‌هایشان تابانده است.

و شنیده‌ایم، در هر دم و بازدمان، خدا را به «دم» مظلومتان قسم داده‌ایم و غزلِ وفارا خطاب به مادر تان «دم» گرفته‌ایم:

«أَبَدَ وَاللَّهِ مَا نَنَسَى حُسَيْنًا»

در این «تکیه»ی اعتقاد، در این «حسینیّه»ی مهر، در این «هیأت» تعلق به شما، «کوچه»ی باز کرده‌ایم و علمدار تان، شده «میاندار» مان! می‌دانید چرا؟ می‌گوییم:

«اگر صاحب الزّمانی راستینی در عالم پیدا شود، همان اصحاب شما هستند. آن‌ها آمده بودند حلقه به گوش شما باشند، نیامده بودند خودی نشان دهند. اما عَبَّاس بیش از همه‌ی آنها کمر بسته بود به بندگی! طلایه‌دارشان بود در خدمتگزاری! این بود که وقتی خواستید سقایی را به سلحشوری ترجیح دهد بی‌درنگ شمشیر را گذاشت و مشک را برداشت.»

ما به اقتدای او، به لوح سینه، رنگ «زمینه»ی جان‌نثاری می‌زنیم «یک دست» که سهل است «دو دست» را پیش از سر فدایتان می‌کنیم ...

ای ذکر مصیبت «واحد» ما!

همه‌ی «شور» مان به این است که یک روز اجازه دهید دستان به دامانتان برسد ... مژگان ما را به غبار رومی شش‌گوشه‌ی خود بگمارید. هر چند هنوز هم خجالت بی‌لیاقتی و آزر بی‌بضاعتی آزارمان می‌دهد ولی باز هم دل خوش داریم که اذن دهید پایمان به کربلایتان برسد. اگر این عنایت شاملمان شود یقین می‌کنیم که شش‌گوشه‌ی بهشت را فتح کرده‌ایم ...



تردید نیست که هرچه این نور معرفت تابنده‌تر باشد، آن محبت آتشین‌تر خواهد بود. در این میان درس آموختن از مکتب ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام، درباره شرافت زیارت سالار شهیدان بستر مناسبی است برای آنکه خداوند متعال معرفتی عمیق‌تر نسبت به آن بزرگوار به دلدادگان ایشان عطا فرماید. این معرفت روزنه‌های پرنورتری در برابر آفتاب تابان محبت حسینی به رویشان باز می‌کند و دلدادگیشان را به آن حضرت بیشتر می‌سازد.

به همین بهانه، به عنوان مقدمه‌ی متن بلندترین زیارت آن بزرگوار گذری بر بوستان روایات اهل بیت علیهم‌السلام در این زمینه می‌کنیم تا به فضل الهی با معرفت و محبت عمیق‌تری به مزار آن عزیز روکنیم. به عنوان نخستین گام در این راه، جلوه‌هایی از والایی سرزمین کربلا را از نظر می‌گذرانیم؛ در گام دوم، برخی از فضایل عظیم زیارت امام حسین علیه‌السلام را مرور می‌کنیم و در گام سوم، به معرفی و ترجمه‌ی بلندترین زیارت مأثور آن بزرگوار خواهیم پرداخت.

۱- در ترجمه‌ی زیارت شریف و ترجمه‌ی روایات متن کتاب، کوشیده‌ایم در عین صحت، شیوایی ترجمه تا حد امکان رعایت شود. به همین خاطر اولاً دقت خود را - در حد توان - برای ترجمه‌ی صحیح عبارات به کار بسته‌ایم. ثانیاً در مواردی تکرار «واو» یا «فاء» در متن عربی باعث تکرار «واو» یا «پس» در ترجمه می‌شده است. در این‌گونه موارد از علامت «ویرگول» به جای «واو» استفاده شده یا در مواردی «پس» را از ترجمه حذف نموده‌ایم. توجه شود که حذف یا تبدیل این‌گونه موارد، نقضی به درستی ترجمه وارد نمی‌کند و البته به شیوایی آن یاری می‌رساند.

## فصل یکم

# جلوه‌هایی از شرافت زیارت و مزار سیدالشهدا علیه‌السلام



### کربلا شریف تر از مکه

حضرات ائمه علیهم السلام اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند که شیعیان و محبانشان - در صورت امکان - زود به زود و در فاصله‌های زمانی کوتاه به زیارت امام حسین علیه السلام مشرف شوند. این خود نشانه‌ی واضحی از فضیلت زیارت آن حضرت می‌باشد. اهل بیت علیهم السلام دوست داشته‌اند اهل محبت خویش را بر سر این سفره بنشانند و از زلال این زیارت به آنها بنوشانند. وقتی یکی از یاران امام صادق علیه السلام به حضور ایشان رسید، به او فرمودند: «آیا قبر ابا عبدالله - حسین بن علی علیه السلام - را زیارت می‌کنی؟» عرضه داشت: «آری، هر سه سال یا دو سال، یکبار [چنین می‌کنم]». حضرت، در حالیکه چهره‌شان [از ناراحتی یا خشم] زرد شده بود، فرمودند:

أَمَا وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَوْ زُرْتَهُ لَكَ لَكَانَ أَفْضَلَ لَكَ مِمَّا أَنْتَ فِيهِ

سوگند به خدایی که معبودی جز او نیست، آگاه باش که اگر او را [زود به زود] زیارت کرده بودی برایت برتر بود از این [حالتی] که اکنون در آنی.

راوی از حضرت سؤال کرد: «فدایت شوم! آیا همه‌ی آن فضیلت [از

برای من [هست؟] ایشان پاسخ فرمودند:

نَعَمْ وَاللَّهِ لَوْ أَنِّي حَدَّثْتُكُمْ بِفَضْلِ زِيَارَتِهِ وَبِفَضْلِ قَبْرِهِ لَتَرَكْتُمْ  
الْحَجَّ رَأْسًا وَ مَا حَجَّ مِنْكُمْ أَحَدًا<sup>۱</sup>

آری، به خدا سوگند اگر از فضیلت زیارت او و فضیلت قبر او (امام حسین علیه السلام) به شما گفته بودم، به کلی حج را ترک کرده بودید و هیچ یک از شما حج انجام نمی‌داد.

چنانکه در روایت شریف مشهور است، حضرت صادق علیه السلام از اینکه یکی از دوستانشان در فاصله‌های زمانی طولانی به زیارت ابا عبدالله مشرف شود، اندوهگین می‌گردند. بعلاوه او را هشدار می‌دهند که خیر عظیم و برکت فراوانی را از کف داده است؛ بطوری که اگر فراوان به زیارت ایشان می‌رفته، اکنون موقعیت معنوی نیکوتری داشته است.

آن حضرت در جواب راوی که از فضیلت این زیارت پر قدر می‌پرسد تابلویی از برتری این دیدار را ترسیم می‌کنند و می‌فرمایند: «اگر برایتان فضیلت آن را گفته بودم، حج را یکسره ترک کرده بودید.» شاید تأکید امام صادق علیه السلام، بر برتری زیارت امام حسین علیه السلام بر حج، بدین خاطر باشد که این عبادت مهم در نظر افراد از شرافت قابل توجهی برخوردار بوده است. هرچند واقعاً هم چنین است اما ایشان خواسته‌اند بر برتری زیارت سیدالشهدا نسبت به حج اصرار ورزند. بنابراین حضرت، فضیلت مضاعفی را برای این زیارت روح بخش ترسیم فرموده‌اند.

به کار بردن تعبیر (لو) - اگر - در فرمایش حضرت، نشان می‌دهد که

۱- کامل الزیارات باب ۸۸ ح ۱

آنچه از فضایل زیارت ابا عبدالله در روایات بیان شده، هنوز سیمای پر نور آن را به طور کامل نمایان ننموده و حقیقت امر را برای افراد روشن نساخته است. امام صادق علیه السلام در ادامه‌ی فرمایش خود یکی از اسرار نهان برتری زیارت حسین علیه السلام بر حج خانه‌ی خدا را چنین آشکار می‌فرمایند:

وَيَحْكُ أَمَا تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ اتَّخَذَ [بِفَضْلِ قَبْرِهِ] كَرْبَلَاءَ حَرَمًا آمِنًا  
مُبَارَكًا قَبِيلًا أَنْ يَتَّخِذَ مَكَّةَ حَرَمًا<sup>۱</sup>

وای بر تو! آیا نمی‌دانی که خداوند [به سبب فضیلت قبر او] کربلا را حرم امن و مبارک قرار داد پیش از آنکه مکه را حرم قرار دهد. مکه‌ی معظمه، حرم امن الهی است و خداوند متعال آن را محلّ بارش برکات خویش<sup>۲</sup> قرار داده است. اما در این جا امام صادق علیه السلام برتری زیارت سیدالشهدا علیه السلام بر حج را با برتری کربلا بر مکه مرتبط دانسته‌اند.

خداوند متعال پیش از برگزیدن مکه، به عنوان حریم امن خویش، کربلای معلی را اینگونه شرافتی بخشیده است. این «پیش» بودن کربلا در گزینش، فقط پیش بودن زمانی نیست<sup>۳</sup>؛ بلکه رتبه‌ی کربلا نیز بسیار شریف‌تر از مکه است. امام صادق علیه السلام در فرمایش خود به این برتری شگفت‌آور تذکر داده و از حکمت برتری بخشیدن کربلا نسبت به مکه

۱- کامل الزیارات باب ۸۸ ح ۱

۲- آل عمران / ۹۶ و ۹۷

۳- در روایتی از امام زین العابدین علیه السلام، این فاصله‌ی زمانی، بیست و چهار هزار سال، دانسته شده است (کامل الزیارات، باب ۸۸، ح ۴)



نیز سخن گفته اند. بنگرید:

زمین کعبه گفت: «چه کسی همانند من است؟ در حالیکه خانه ی خدا بر پشت من بنا شده. مردم از هر راه دور برای زیارت من می آیند و حرم خدا و [جایگاه] امن او قرار داده شده ام.»  
پس خداوند متعال به آن وحی فرمود:

كُفِّي وَ قَرِي! مَا فَضَّلُ مَا فَضَّلْتَ بِهِ فِيمَا أُعْطِيتْ أَرْضُ كَرْبَلَاءَ  
إِلَّا بِمَنْزِلَةِ الْإِبْرَةِ غُرِسَتْ فِي الْبَحْرِ فَحَمَلَتْ مِنْ مَاءِ الْبَحْرِ وَ  
لَوْلَا تُرْبَةُ كَرْبَلَاءَ مَا فَضَّلْتُكَ وَ لَوْلَا مَنْ تَضَمَّنَهُ أَرْضُ كَرْبَلَاءَ مَا  
خَلَقْتُكَ وَ لَا خَلَقْتُ الْبَيْتَ الَّذِي بِهِ افْتَحَرْتَ فَقَرِي وَ اسْتَفَرِي  
وَ كُونِي ذَنْباً مُتَوَاضِعاً ذَلِيلاً مَهِيناً غَيْرَ مُسْتَكْبِرٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ  
لِأَرْضِ كَرْبَلَاءَ<sup>۱</sup>

باز ایست و آرام گیر! فضیلتی که تو بدان برتری داده شده ای، نسبت به آن چه به زمین کربلا عطا شده نیست مگر به مانند سوزنی که در دریا فرو کنند و آن سوزن از آب دریا [کمتر از قطره ای] بردارد. و اگر خاک کربلا نبود، تو را برتری نمی بخشیدم و اگر نبود کسی که سرزمین کربلا در برش گرفته، تو را نمی آفریدم و خانه ای را که به آن فخر می فروشی خلق نمی کردم. پس آرام باش و [بر سر جای خود] قرار گیر و [در رتبه ای] پسین باش و متواضع و خوار و ضعیف شو، نه متکبر و خودستا در برابر زمین کربلا.

درباره ی این روایت شریف توجه به دو نکته خالی از لطف نیست:

۱- بحار الانوار ج ۱۰۱ ص ۱۰۶ و ۱۰۷ به نقل از کامل الزیارات.

۱) عقلاً هیچ مانعی وجود ندارد که خداوند به سرزمینی یا مکانی یا جسمی که ظاهراً دارای شعور نیست؛ عقل و اختیار عطا کند و آن را در معرض آزمونی قرار دهد. خداوند می تواند چنین کمالاتی را به هر موجودی - از جمله زمین مگه - عطا کند تا بنگرد که او با این عطای خدادادی چه می کند. آیا تواضع می نماید یا فخر می فروشد؟

در قرآن کریم، آیات متعددی بیانگر این است که: خداوند متعال به موجودات مختلفی - که ظاهراً از هیچ شعوری برخوردار نیستند - اینگونه کمالاتی می بخشد، به آنها امر و نهی می کند یا از آنها پرسش می نماید. به عنوان مثال، قرآن از گفتگوی خداوند و امر و نهی نمودن او به آسمان و زمین گزارش می کند.<sup>۱</sup> در جای دیگر بیان می فرماید که دست و پای مجرمان در روز قیامت از کرده های آنان خبر می دهند.<sup>۲</sup>

از این گذشته آنچه به ظاهر بی شعور و آگاهی به نظر می رسد دلیلی ندارد که در واقعیت امر نیز چنین باشد. به تصریح قرآن کریم هیچ چیزی نیست مگر آنکه به تسبیح خداوند مشغول می باشد اما دیدگان پوشیده و ظاهر بین متوجه آن نمی شوند<sup>۳</sup> و نسبت به آن غافلند.

به این ترتیب کاملاً پذیرفتنی است که خداوند به سرزمین مگه اختیار و عقل بخشیده و به دنبال برتری دادن به آن، از این سرزمین، امتحان تواضع گرفته باشد.

۲) به فرمایش خداوند متعال اساساً فضیلت مگه با شرافت کربلا

۱- فصلت / ۱۱، ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ.

۲- یس / ۶۵، الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَ نُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.

۳- اسراء / ۴۴، وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ.



خداوند تبارک و تعالی آنها را پاک داشت و خداوند آن دو را مبارک گرداند. پس به آن (کربلا) گفت: «اکنون که زمین‌ها و آب‌ها برخی بر برخی دیگر فخر فروختند، سخن بگو به آنچه خداوند متعال تو را برتری بخشیده است.» پس [سرزمین کربلا] گفت:

أَنَا أَرْضُ اللَّهِ الْمُقَدَّسَةِ الْمُبَارَكَةِ الشُّفَاءُ فِي تُرْبَتِي وَ مَائِي وَ  
لَا فَخْرَ بَلْ خَاضِعَةٌ ذَلِيلَةٌ لِمَنْ فَعَلَ بِِي ذَلِكَ وَ لَا فَخْرَ عَلَيَّ مَنْ  
دُونِي بَلْ شُكْرًا لِلَّهِ

من زمین مقدس و مبارک خدایم. شفا در تربت و آب من است و [بر این] فخری نیست بلکه [من] خاضع و خوارم در برابر کسی (خدایی) که با من چنین کرد و فخری بر غیر خود ندارم. بلکه خداوند را [به‌خاطر این نعمت] شکر می‌کنم.

سپس حضرت می‌فرماید:

پس [خداوند] به واسطه‌ی تواضع و شکرش برای خداوند، او را کرامت بخشید و با [قرار دادنش به عنوان مدفن] امام حسین علیه السلام و اصحابش، آن کرامت را برایش بالا برد.<sup>۱</sup>

افتخار به فضیلت نه تنها در مورد سرزمین مکه رخ داده بلکه آب زمزم نیز چنین استکباری را به خرج داده است. در روایات دیگری فرموده‌اند که «آب زمزم از شیر، سپیدتر و از شهد، شیرین‌تر» بوده است.<sup>۲</sup> به واسطه‌ی تکبری که زمزم در برابر سایر آب‌ها می‌نماید،

قابل قیاس نیست. تصوّر کنید که سوزنی را در آب دریا داخل کنیم. واضح است که یک قطره یا کمتر بر روی آن باقی می‌ماند. در روایت شریف، خداوند نسبتِ فضیلت مکه به کربلا را همانند نسبت این قطره‌ی ناچیز به آن دریای با عظمت دانسته است. بعلاوه مکه و کعبه را در آفرینش، طفیلی حضرت سیدالشهدا معرّفی نموده است. به این ترتیب می‌توان گفت: اگر امام حسین علیه السلام نبود کعبه‌ای هم نبود. پس کعبه به گل روی ابا عبدالله علیه السلام شرافت یافته و به خاطر کربلا بر سرزمین‌های دیگر برتری داده شده است. به همین خاطر، خداوند از مکه می‌خواهد که در برابر کربلا تواضع کند و اظهار خواری نماید.

### تواضع و شکر: سبب فضیلت کربلا

حال نیکوست که بدانیم درست برعکس مکه، علّت شرافت مضاعف «کربلا» این است که در برابر عطا‌ی الهی سر به شکر و تواضع سپرده است. همین خصلت ستوده باعث شده خداوند حضرت سیدالشهدا را به آغوشش بسپرد.

امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

خداوند تبارک و تعالی برخی از زمین‌ها و آب‌ها را بر برخی دیگر برتری داد. پس از میان آنها برخی فخر فروختند و برخی [از حدّ خود] تجاوز کردند. پس هیچ آبی و زمینی نبود مگر آنکه به خاطر ترک نمودن تواضعش برای خدا عقاب شد. [و مکه نیز چنین شد] تا اینکه خداوند مشرکان را بر کعبه مسلط نمود و آبی شور به‌سوی زمزم گسیل داشت تا آنکه مزه‌اش را خراب کرد. اما زمین کربلا و آب فرات اولین زمین و اولین آبی هستند که

۱- کامل الزیارات باب ۸۸، ح ۱۴.

۲- فروع کافی، ج ۶ ص ۲۸۶.



خداوند آبی شور را به آن می‌رساند، طعمش را برمی‌گرداند و این گونه آن را به تکبرش عقاب می‌کند. بعلاوه خداوند در برابر تسلط مشرکان بر کعبه مانع نمی‌شود و این را به عنوان عقابِ تفاخرِ مکه قرار می‌دهد. در مقابل، وقتی پروردگار، کربلا و آب فرات را والایی و رفعت می‌بخشد، کربلای معلی در برابر این عطای پروردگار برای خود حق فخر فروشی بر سرزمین‌های دیگر قائل نمی‌شود. به همین خاطر، در برابر خداوند اظهار تذلل و خضوع می‌کند و زبان به سپاس می‌گشاید.

به سبب این دو ویژگی زیبا خداوند متعال به کربلا شرافتی مضاعف و کرامتی افزون می‌بخشد و آن را آرامگاه حضرت سیدالشهدا علیه السلام و یاران ایشان قرار می‌دهد.

### برتری کربلا نسبت به مکه با وجود واجب بودن حج در مکه

پس از طرح این برتری، ممکن است سؤالی مطرح شود و آن اینکه: «اگر خداوند متعال، کربلا را برتر از مکه قرار داده پس چرا انجام حج را در مکه واجب نموده؛ در حالیکه زیارت کربلا مستحب است؟» این مضمون سؤالی است که ابن ابی یعفور از امام صادق علیه السلام می‌پرسد. آن حضرت در پاسخ به او نخست می‌فرماید:

وَإِنْ كَانَ كَذَلِكَ فَإِنَّ هَذَا شَيْءٌ جَعَلَهُ اللَّهُ هَكَذَا

اگرچه چنین است؛ اما این چیزی است که خداوند اینگونه قرارش داده است.

در واقع، پاسخ حضرت به این سؤال آنست که: برتری کربلا بر مکه کاملاً به حکم خداوند بستگی دارد. این برتری هیچ منافاتی با

به تعبیر دقیق‌تر، در این جا دو مطلب مطرح شده: نخست آنکه: ما در قبال حکم و مشیت الهی تسلیم هستیم و لذا هر چند برای مکه و کعبه‌ی معظم شرافت قائلیم اما کربلا را شریف‌تر از آنها می‌دانیم.

دوم آنکه لازم نیست به خاطر شرافت کربلا بر مکه، زیارت امام حسین علیه السلام واجب و انجام حج مستحب گردد. در این مورد نیز ما تابع تشریح پروردگار متعال هستیم. لذا با وجود شرافت و برتری کربلای معلی بر مکه‌ی معظم، زیارت امام حسین علیه السلام را همچنان مستحب می‌شناسیم نه واجب!

در ادامه، امام صادق علیه السلام برای ابن ابی یعفور مثالی می‌زنند تا مطالب یادشده را تأیید بیشتری فرمایند:

أَوْ مَا عَلِمْتَ أَنَّ الْمُؤَقَفَ لَوْ كَانَ فِي الْحَرَمِ كَانَ أَفْضَلَ لِأَجْلِ الْحَرَمِ وَلَكِنَّ اللَّهَ صَنَعَ ذَلِكَ فِي غَيْرِ الْحَرَمِ<sup>۱</sup>

آیا نمی‌دانی که اگر موقوف [عرفات] در حرم<sup>۲</sup> قرار می‌گرفت به خاطر حرم فضیلت بیشتری داشت؟ ولی خداوند آن را در خارج

۱- کامل الزیارات، باب ۸۸، ح ۱

۲- حد حرم مکه عبارتست از: از شمال جایی به نام «تنعیم»، از طرف شمال غربی «حدیبیه»، از طرف شمال شرقی جایی به نام «ثنية جبل المقطع» از شرق مرز مقابل عرفه از دشت «نمره»، از جنوب شرقی جایی به نام «جعرانه» و از جنوب غربی جایی به نام «أضاءة لبن». بنابراین هر چند منطقه «منا» داخل حرم قرار می‌گیرد، اما «عرفات» از حد حرم بیرون است.

ترتیب، کسی حقّ اعتراض ندارد که «چرا وقوف در عرفات واجب شده نه در حرم» همچنین کسی نباید به دلیل وجوب حج در مکه، فضیلت کربلا را بر آن مورد سؤال و تردید قرار دهد.

### کربلا: مطاف ملائک

این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که زیارت حضرت اباعبدالله علیه السلام انسان را از انجام حجّه الاسلام (حجّ واجب) بی‌نیاز نمی‌کند. گرچه ثواب زیارت آن حضرت قابل مقایسه با ثواب حج نیست اما در عین حال، این زیارت باعث برداشته شدن تکلیف حج نمی‌گردد.

امام رضا علیه السلام، پس از تذکر به این نکته،<sup>۱</sup> چشم انداز دیگری از این شرافت را تصویر می‌کنند. ایشان می‌فرمایند:

أَمَّا عَلِمْتَ أَنَّ الْبَيْتَ يَطُوفُ بِهِ كُلُّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُمُ اللَّيْلُ صَعِدُوا وَنَزَلُوا غَيْرَهُمْ فَطَافُوا بِالْبَيْتِ حَتَّى الصَّبَاحِ وَإِنَّ الْحُسَيْنَ علیه السلام لَا كَرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنَ الْبَيْتِ وَإِنَّهُ فِي وَقْتِ كُلِّ صَلَاةٍ لَيَنْزِلُ عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ شَعَثَ غُبْرٌ لَانْفَعَ عَلَيْهِمُ النَّوْبَةَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ<sup>۲</sup>

۱- امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «هرکس قبر حسین علیه السلام را زیارت کند حج و عمره انجام داده است».  
راوی از ایشان می‌پرسد: [یعنی به واسطه‌ی زیارت، تکلیف [حجّه الاسلام از او برداشته می‌شود؟ ایشان پاسخ می‌فرمایند: «خیر، آن [زیارت]، حجّ [فرد] ضعیف [از جهت مالی] است تا آن که قوی شود و به سوی خانه‌ی خدا حج کند.» (کامل الزیارات باب ۶۵ ح ۶)

۲- کامل الزیارات باب ۶۵ ح ۶

[محدوده‌ی] حرم قرار داد.

خداوند متعال موقف عرفات را خارج از حدّ «حرم» قرار داده و وقوف در آن را واجب فرموده است. این در حالی است که اگر عرفات داخل حرم قرار می‌گرفت، به خاطر حرمت و شرافت حرم، فضیلت بیشتری داشت. با این وجود نمی‌توان گفت که چون محدوده‌ی حرم از خارج آن فضیلت بیشتری دارد، پس باید موقف عرفات داخل آن می‌شد.

سخنی که در نسبت میان «حرم» و «عرفات» گفتیم در نسبت میان «کربلا» و «مکه» نیز قابل طرح می‌باشد. سؤال این بود که: «چرا با اینکه کربلا افضل از مکه است اما انجام حج در مکه واجب شده؟» و پاسخ این است: «به همان دلیل که با وجود برتری حرم بر عرفات، خداوند وقوف در عرفات را واجب فرموده است».

به بیان دیگر: درست است که کربلای معلی شرافت افزونتری نسبت به مکه داراست، اما خداوند حج را در مکه قرار داده نه در کربلا. همینطور با وجود آنکه حرم مکه از عرفات شریف‌تر است، اما خداوند وقوف در عرفات را واجب کرده نه در حرم.

بنابراین، علت تشریح احکام الهی صرفاً برتر بودن جایگاه انجام آن عبادت نیست. عوامل بسیاری می‌توانند در این امر دخیل باشند که از ادراک ما خارجند.

با این تفصیل باید توجه داشت که روحیه‌ی «تسلیم» نسبت به اراده‌ی پروردگار در ما تضعیف نشود. ما هم در برابر قوانین الهی سر تسلیم فرود می‌آوریم و هم ملاک‌های برتری را الهی می‌دانیم. به این

می‌کنند<sup>۱</sup>. بنابراین می‌توان گفت که این کروبیان، بیش از کعبه، دل در گرو مشهد حضرت ابا عبدالله دارند. این نیست مگر به خاطر عظمت و مرتبت عالی زیارت آن حضرت.

### کربلا: محلّ نجوای خدا با انبیا

آرامگاه حضرت سیدالشهدا علیه السلام فقط عرصه‌ی فرود فرشتگان الهی نیست. معبدی است که خداوند با انبیا و اولوالعزمی چون موسی علیه السلام و نوح علیه السلام در آن نجوا کرده است. امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید:

الْغَاضِرِيَّةُ هِيَ الْبُقْعَةُ الَّتِي كَلَّمَ اللَّهُ فِيهَا مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ علیه السلام وَ  
 نَاجَى نُوحًا فِيهَا وَ هِيَ أَكْرَمُ أَرْضِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ لَوْلَا ذَلِكَ مَا  
 اسْتَوْدَعَ اللَّهُ فِيهَا أَوْلِيَاءَهُ وَ أَنْبِيََاءَهُ فَرُورُوا قُبُورَنَا بِالْغَاضِرِيَّةِ<sup>۲</sup>  
 غاضریّه (کربلا) آن بقعه‌ای است که خداوند در آن با موسی بن  
 عمران سخن گفت و با نوح در آن نجوا کرد و آن والاترین زمین  
 [های] خدا در نزد اوست و اگر چنین نبود خداوند اولیا و انبیایش  
 را در آن به ودیعه نمی‌سپرد. پس قبرهای ما را در غاضریّه  
 (کربلا) زیارت کنید.

در این روایت شریف، امام سجاد علیه السلام تصریح می‌فرماید که کربلا  
 با فضیلت‌ترین سرزمین‌ها نزد خداوند است. به همین خاطر،  
 پروردگار متعال اولاً والاترین اولیای خویش را به دامان آن سپرده  
 است و ثانیاً آن را محلّ نجوای خود با انبیای خویش قرار داده است. امام

آیا نمی‌دانی که هر روز هفتاد هزار فرشته به گرد خانه [ی خدا]  
 طواف می‌کنند تا اینکه وقتی شب آنها را در می‌یابد عروج  
 می‌نمایند و [گروهی] غیر آنها نازل می‌شوند و به دور خانه [ی  
 خدا] تا صبح طواف می‌کنند؟ [اما] حسین علیه السلام نزد خدا بزرگوارتر  
 از بیت [الله] است، چرا که در وقت هر نمازی، بر او هفتاد هزار  
 فرشته‌ی غمزه‌ی غبار گرفته فرود می‌آیند که تا روز قیامت به  
 آنها نوبت [زیارت مجدد] نمی‌رسد.

در این روایت، امام رضا علیه السلام یکی از نشانه‌های شرافت  
 سیدالشهدا علیه السلام بر کعبه را بیان می‌نماید. خانه‌ی خدا، صبح و شام  
 پوشیده از فرشتگانی است که به طواف گرد آن سرگردمند. مزار امام  
 حسین علیه السلام اما در وقت هر نمازی فرودگاه و محلّ طواف این آسمانیان  
 می‌شود.

جالب اینکه تا روز قیامت به هر فرشته تنها یک بار نوبت می‌رسد  
 که به این دیدار ارزشمند مشرف شود. این بدان معناست که ملائک،  
 شیفته‌ی این زیارتند. منتظرند و صف کشیده‌اند که خدا اجازه‌ی زیارت  
 امام حسین علیه السلام را به آنها بدهد. به هنگام فرود نیز غبارِ غم به  
 رخسارشان و گرد اندوه بر بالهایشان نشسته است.

در روایات دیگری، بیان فرموده‌اند همین ملائک حاضر در مسجد  
 الحرام نیز دست از فیض زیارت اهل بیت علیهم السلام بر نمی‌دارند. پس از  
 زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، امام امیرالمؤمنین و امام مجتبی علیهما السلام راهی  
 ضریح شش‌گوشه می‌شوند<sup>۱</sup> و با ملائک حاضر در حائر حسینی دیدار

۱- بحارالانوار ج ۱۰۰، ص ۱۱۷ و ۱۱۸ به نقل از ثواب الاعمال.

۱- کامل الزیارات، باب ۲۷، ح ۱۶.

۲- کامل الزیارات، باب ۸۸ ح ۵



سجاد علیه السلام همین رفعت مقام را بهانه ای برای ترغیب و دعوت دوستانشان به زیارت امام حسین علیه السلام قرار می دهند.

### رحمت فراگیر خداوند برای زائر کربلا

پس از بررسی گوشه هایی از فضیلت کربلا، نوبت به آن می رسد که اندکی نیز درباره فضایل شگفت زیارت امام حسین علیه السلام به بحث بنشینیم.

در ابتدای این مقال، روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل نمودیم. حضرت در ضمن آن فرموده بودند: «اگر شما را از فضیلت این زیارت باخبر می کردیم یکسره حج رفتن را ترک می گفتید.» این فرمایش حضرت می تواند بدان خاطر باشد که ثواب زیارت حضرت سیدالشهدا، گاه با پاداش هزار حج و هزار عمره ی مقبول برابری می کند!<sup>۱</sup>

وقتی راوی از امام صادق علیه السلام می پرسد: «کسی برای زیارت به نزد قبر امام حسین علیه السلام می آید، در حالیکه به حق او آشناست، و کبر و خود بزرگ بینی ندارد. [چنین کسی] چه [پاداشی] دارد؟» ایشان در پاسخ می فرمایند:

يُكْتَبُ لَهُ أَلْفُ حَجَّةٍ وَ أَلْفُ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ وَإِنْ كَانَ شَقِيحًا كُتِبَ سَعِيداً وَ لَمْ يَزَلْ يَخْوُضُ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ<sup>۲</sup>

۱- کامل الزیارات باب ۵۶ ح ۱۰

۲- کامل الزیارات باب ۶۶ حدیث ۱۰، در روایات دیگری (در باب ۶۵ و ۶۶ کتاب شریف کامل الزیارات) این ثواب برابر با «یک حج و عمره ی مقبول»، «ده حج و عمره»، «بیست حج و عمره»،

برای او هزار حج و هزار عمره ی مقبول نوشته می شود و اگر شقی باشد، سعید نگاشته می گردد و همواره در [دریای] رحمت خدای عزوجل فرو می رود.

نکته ی مهمی که در پرسش راوی وجود دارد، برخی از شرایطی است که در صورت وجودشان، خداوند به فرد پاداش زیارت می دهد. یکی از اساسی ترین این شرایط؛ عبارتست از «ایمان» و «اعتقاد» به ولایت امام علیه السلام. نتیجه ی این باور، آن است که انسان، امام علیه السلام را پیشوایی منصوب از جانب خدا بداند. چنین کسی اولاً گفتار و رفتار او رایکسره دلیل رضا و سخط خداوند می شناسد. ثانیاً پیگیری امر و نهی او را بر خود واجب می شمارد.

این همان چیزی است که در فرهنگ دین از آن به عنوان «مفترض الطاعة» دانستن امام علیه السلام تعبیر می شود. در روایات، «عرفان حق» امام را برابر با این باور دانسته اند.<sup>۳</sup> چنین اعتقادی در موضوع امامت،

۱- «بیست و پنج حج»، «هشتاد حج»، «سی حج به همراه رسول خدا»، «پنجاه حج به همراه رسول خدا» و «صد حج به همراه رسول خدا» دانسته شده است. تفاوت این بیانها ممکن است به تفاوت درجه ی معرفت و ایمان افراد، بازگردد. به تعبیر بهتر این روایات بیانگر طیف وسیع و عرض عریضی از ثواب حج هستند که «از یک حج و عمره تا هزار حج و هزار عمره» یا «از سی تا صد حج به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم» را در بر می گیرد. افراد مختلف، بر حسب درجه ی ایمان و تقوی و خلوص، همچنین مراتب مختلف فضل الهی، می توانند بهره های متفاوتی را از این رتبه های مختلف ببرند. در این میان آنچه مسلم می باشد، بر تری زیارت حضرت سیدالشهدا بر حج است. چرا که کمترین بهره ی زائر از این زیارت، می تواند «یک حج و یک عمره ی مقبول» باشد.

۱- برای ملاحظه ی تفصیل شرایط قبولی عبادات رجوع کنید به کتاب «در ضیافت ضریح» بخش چهارم

۲- من لایحضره الفقیه ج ۲ ص ۵۸۴. امام صادق علیه السلام در این روایت شریف دستگیری در روز





باشد، نمی‌تواند به دریافت این ثوابهای عظیم دل بندد. زائر هوشیار، خود را از همه‌ی زوآر حضرت اباعبدالله علیه السلام حقیرتر و روسیاه‌تر می‌بیند. کمال تواضع آن است که فرد خود را در برابر همه‌ی اهل ایمان، پست‌تر ببیند. چنین کسی، حتی خود را از مؤمنانی که به کربلا مشرف نشده‌اند، برتر نمی‌شناسد. او گرچه خود را در جوار مزار آسمانی حضرت سیدالشهدا علیه السلام می‌نگرد، اما از دونکته غافل نیست:

اولاً توفیق حضور خود در این مشهد شریف را از سر لیاقت نمی‌داند. معتقد است خداوند بر سرش منت گذارده و به فضل خود چنین سعادت را نصیبش ساخته است.

ثانیاً نمی‌داند که آیا این زیارت از او پذیرفته می‌شود یا نه؟ لذا می‌هراسد از اینکه دست رد به سینه‌اش بزنند. این زائر آگاه می‌فهمد که اگر زیارتش مردود شود، شرافتی نسبت به دیگران ندارد. بعلاوه از عمق جان تصدیق می‌کند که قبولی زیارت، حاصل فضل الهی است، نه اینکه او واقعاً مستحق پذیرش زیارتش باشد.

این‌گونه تذکرات باعث می‌شود فرد همواره خود را زیر سؤال ببرد و به خود نمره‌ی قبولی ندهد. اینچنین، فرد خود را نسبت به هیچ مؤمنی شریف‌تر و والا مقام‌تر نمی‌شناسد. البته تحقق چنین حالت مطلوبی به این راحتی‌ها نیست. باید معرفت انسان به ضعف و بی‌لیاقتی خودش به حدی برسد که از ژرفای وجود فرومایگی خود را وجدان و بدان اقرار کند.

علاوه بر ثوابهای چند برابر حج و عمره، دو بهره و فیض دیگر در این روایت شریف مطرح گردیده است.

اساسی‌ترین شرط قبولی زیارت است.

شرط دیگری که در این روایت مطرح گردیده «لزوم سرافکندگی و دوری از تکبر» می‌باشد. کسی که به زیارت سرزمین «تواضع و شکر» می‌رود، شایسته نیست که اهل کبر و خود بزرگ بینی باشد. پیش از این، روایتی را درباره‌ی شرافت کربلا بر مگه نقل کردیم. امام صادق علیه السلام در پایان این روایت می‌فرماید:

مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ وَ مَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَهُ اللَّهُ تَعَالَى<sup>۱</sup>

هرکس در برابر خدا تواضع کند، خداوند بلندش می‌کند و هرکس تکبر ورزد، خداوند متعال خوارش می‌نماید.

خود برتر بینی برابر دیگران، باعث می‌شود که پروردگار متعال انسان را محروم کند و خوارش نماید. به همین جهت، بهره‌ی فرد از زیارت، ارتباط مستقیمی با روحیه‌ی او دارد. اگر انسان خود را تافته‌ی جدا بافته از دیگران بداند و برابر خداوند، کمال خاکساری را نداشته

۱- قیامت و بهشت را برای زوآر فرزند گرامیشان امام رضا علیه السلام نوید می‌دهند. البته این ثواب را نصیب زائرانی می‌دانند که نسبت به حق امام رضا علیه السلام آگاهند. راوی از آن حضرت می‌پرسد: «آگاهی [نسبت به] حق ایشان چیست؟» امام جعفر بن محمد علیه السلام می‌فرماید:

يَعْلَمُ أَنَّهُ إِمَامٌ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ غَرِيبٌ شَهِيدٌ

[اینکه] بداند او امامی [است که] فرمانبری [اش] واجب [می‌باشد و] غریب و شهید است.

در روایت فوق، علاوه بر وجوب فرمانبری از امام علیه السلام، دو وصف «غریب» و «شهید» نیز از شاخصه‌های «عرفان حق» ایشان دانسته شده است. این نشان می‌دهد که عرفان حق امام اساساً در نظر گرفتن یک شأن الهی و یک جایگاه ویژه‌ی ربانی برای امام معصوم علیه السلام است. کسی که چنین اعتقادی به امام داشته باشد، فرموده‌ی ایشان را همان امر و نهی الهی تلقی می‌نماید و در برابر آن سر تسلیم فرود می‌آورد.

۱- کامل الزیارات باب ۸۸ ح ۱۴

نزد او بیاید، در حالیکه آگاه به حق اوست و منکر [ولایت او] نیست، برای او جز بهشت، ازایی نیست (ثوابی کمتر از بهشت هم‌ارز زیارت او نیست). و رزق گسترده به او داده می‌شود و خداوند گشایش زود هنگامی برای او پیش می‌آورد.

سپس پیوستگی زائر با آسمانیان کوی حسینی را اینگونه تبیین می‌کنند:

إِنَّ اللَّهَ وَكَلَّ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ كُلُّهُمْ يَبْكُونَهُ وَيُشَيِّعُونَ مَنْ زَارَهُ إِلَى أَهْلِهِ فَإِنْ مَرَضَ عَادُوهُ وَإِنْ مَاتَ شَهِدُوا جَنَازَتَهُ بِالْأَسْتِغْفَارِ لَهُ وَالتَّرْحَمِ عَلَيْهِ<sup>۱</sup>

خداوند چهارهزار فرشته را به قبر حسین بن علی علیه السلام گماشت که همگی بر او می‌گریند و کسی که آن حضرت را زیارت کند به سوی خانواده‌اش بدرقه می‌کنند و اگر مریض شود عیادتش می‌نمایند و اگر بمیرد بر جنازه‌اش حاضر می‌شوند تا برای او طلب مغفرت و ترحم نمایند.

در این بیان مبارک، حضرت صادق علیه السلام برخی بهره‌های دنیوی زائر را بر شمرده‌اند<sup>۲</sup> که عبارتند از: «رزق و روزی فراوان» و «گره‌گشایی زود هنگام پروردگار». از بهره‌های اخروی نیز، اوج فیوضات معنوی را ذکر نموده‌اند که همان رسیدن به بهشت می‌باشد. در همین مورد فرموده‌اند این زیارت آن قدر پر عظمت است که هیچ بهره‌ای جز

نخست اینک اگر فرد در گروه «اشقیاء» باشد خداوند تقدیرش را تغییر می‌دهد و او را در دسته‌ی «سعداء» وارد می‌سازد. اهل شقاوت، کسانی هستند که موفق نمی‌شوند ایمان خود را به سلامت با خود از دنیا ببرند. اشقیاء پیش از مرگ، ایمان را از کف می‌دهند. همین موجب جهنمی شدن و جاودانگی آنها در عذاب می‌گردد. در مقابل، سعداء کسانی هستند که عاقبت به خیر می‌شوند و ایمانشان در هنگام مرگ به سلامت می‌ماند. نهایت کار این گروه نیز بهشت جاودان است.<sup>۱</sup> حال، اگر مقدر بوده که انسان «شقی» بمیرد، زیارت حضرت سیدالشهدا آنقدر پیش خدا عزیز هست که بتواند انسان را از شقاوت به سعادت برساند و در حقیقت سرنوشتش برای همیشه تغییر نماید.

دومین فیضی که در روایت شریف بر آن تأکید رفته: فرورفتن همیشگی زائر مقبول، در رحمت خداست. این «لایزال» بودن رحمت خدا بر زائر به معنای آن است که زیارت سیدالشهدا علیه السلام، دنیا و آخرت او را آباد می‌کند. می‌کوشیم با نظر به برخی روایات، قدری از چند و چون این «رحمت فراگیر و جاودان» آگاه شویم.

### همراهی ملائک با زائر سیدالشهدا علیه السلام

امام صادق علیه السلام با تأکید ویژه بر زیارت حضرت اباعبدالله می‌فرمایند:

امام حسین علیه السلام را زیارت کنید و لو هر ساله؛ چرا که هر کس به

۱- کامل الزیارات باب ۲۷ ح ۱۳.

۲- در روایات دیگری «طول عمر» (کامل الزیارات، باب ۶۱ ح ۱) و «برآورده شدن حاجات» (کامل الزیارات باب ۴۶ ح ۱) آسان جان دادن (کامل الزیارات، باب ۶۰ ح ۱) و بخشایش گناهان (کامل الزیارات باب ۴۹ ح ۱) را از میان بهره‌های دنیوی زیارت حضرت اباعبدالله بر شمرده‌اند.

۱- رجوع کنید به (سوره‌ی هود / ۱۰۵-۱۰۸) و (اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب السعادة و الشقاوة) و (بحار الانوار ج ۵، ص ۱۵۲ باب ۶)

بهشت، توان جبران آن را ندارد.

اما در این روایت باز هم سخن از ملائک پروردگار به میان آمده است. این گروه از ملائک، غیر از دو دسته‌ی پیشین‌اند که از آنها سخن رفت. در روایات، بیان فرموده‌اند که: چهار هزار ملک در روز عاشورا از خداوند اجازه طلبیدند تا در رکاب حضرت اباعبدالله پیکار کنند، اما به آنها اجازه داده نشد. وقتی به کربلا فرود آمدند، ایشان به شهادت رسیده بودند. این ملائک، محزون و غبارزده تا روز قیامت در کنار مقبره‌ی حضرت اباعبدالله ساکنند. به استقبال و بدرقه‌ی زوار می‌روند و اگر زائر بیمار شود عیادتش می‌کنند. اگر زائری بمیرد بر جنازه‌ی او حاضر می‌شوند، بر آن نماز می‌گذارند و برایش طلب مغفرت می‌کنند. حضرت در این روایت به همین ملائک گماشته اشاره می‌کند که حسرت زده‌ی داغ سیدالشهدا علیه السلام، در انتظار قیام صاحب انتقام تارالله‌اند.<sup>۱</sup> در عین حال وظیفه‌ی پذیرایی و حمایت از زوار را هم برعهده دارند.

۱- کامل الزیارات باب ۷۷ ح ۹. امام صادق علیه السلام درباره‌ی این فرشتگان می‌فرماید:

«فَلَا يَزُورُهُ زَائِرٌ إِلَّا اسْتَقْبَلُوهُ وَلَا يُودِعُهُ مُودِعٌ إِلَّا سَبَّعُوهُ وَلَا يَمْرُضُ مَرِيضٌ إِلَّا عَادُوهُ وَلَا يَمُوتُ إِلَّا ضَلُّوا عَلَىٰ جَنَازَتِهِ وَاسْتَعْفَرُوا لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ وَكُلُّ هَؤُلَاءِ فِي الْأَرْضِ يَنْتَظِرُونَ قِيَامَ الْقَائِمِ

پس زائری او (امام حسین علیه السلام) را زیارت نمی‌کند مگر آنکه [آن فرشتگان] به پیشوازش می‌روند و وداع‌گویی [با امام حسین علیه السلام] خداحافظی نمی‌کند، مگر آنکه بدرقه‌اش می‌نمایند. بیماری، مریض نمی‌شود مگر آنکه عیادتش می‌نمایند و نمی‌میرد مگر آنکه به جنازه‌اش نماز می‌گذارند و پس از مرگش برایش استغفار می‌کنند. همه‌ی آنان (فرشتگان) در زمین، منتظر قیام قائم [آل محمد علیهم السلام] هستند. (شبهه این روایت در فروع کافی، ج ۴، ص ۵۸۱ آمده است)

### عبادت ملائک برای زائر امام حسین علیه السلام

اماتکریم زائر مقبول حضرتش، توسط ملائک، به همین جا ختم نمی‌شود. امام حسین علیه السلام آنقدر در درگاه پروردگار مقام و منزلت دارد که ملائک تا قیامت رحمت و مغفرت الهی را برای زائرش طلب می‌کنند. امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خویش می‌فرماید: «ای مفضل! میان تو و قبر [امام] حسین علیه السلام چقدر [راه] است؟» عرض می‌کند: «پدر و مادرم به فدایت! یک روز و بخشی از روز دیگر.»

- آیا [در این صورت] ایشان را زیارت می‌کنی؟

- آری.

- آیا مژده‌ات ندهم؟ آیا با ذکر بخشی از ثواب [زیارت] ایشان شادمانت نکنم؟

- آری فدایت شوم.

- [هرگاه] فردی از شما شروع به فراهم کردن لوازم سفرش می‌کند و برای زیارتش آماده می‌شود، آسمانیان [یکدیگر] را به او بشارت می‌دهند. هنگامی که از در منزلش بیرون رفت - چه سواره باشد چه پیاده - خداوند چهارهزار فرشته از فرشتگان رامی‌گمارد که بر او درود فرستند تا آنکه به قبر حسین علیه السلام برسد. ای مفضل! وقتی به قبر حسین بن علی علیه السلام رسیدی، بر در بایست و این کلمات را بگو، که برای تو به ازای هر کلمه‌ای بهره و نصیبی [مضاعف] از رحمت خداست.

۱- مرحوم آیه الله شیخ جعفر شوشتی این روایت را در باب چهارم از عنوان هفتم کتاب شریف «خصائص الحسینیة» نقل کرده و در مقدمه‌ی آن فرموده است: «باب چهارم در یاداشی ویژه و شگفت آور و صفتی خاص و ممتاز که بر زیارت ایشان (امام حسین علیه السلام) مترتب می‌شود...».



سپس آن حضرت متن زیارتی را به مفضل تعلیم می‌فرمایند. آنگاه می‌فرمایند:

سپس گام برمی‌داری. به هر قدمی که برمی‌داری و می‌گذاری همانند ثواب کسی را داری که در راه خدا در خون خود می‌غلتد. پس وقتی به قبر سلام دادی آنرا با دستت لمس کن و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي سَمَائِهِ وَ أَرْضِهِ

سلام بر تو ای حجت خدا در آسمان و زمینش

سپس به‌سوی نماز [زیارت] خود برو. به ازای هر رکعتی که نزد ایشان به جا می‌آوری، همچون ثواب کسی را داری [که هزار حج و هزار عمره نموده] هزار بار حج رفته و عمره به جا آورده، هزار بنده [در راه خدا] آزاد کرده و گویی هزار بار با پیامبر فرستاده شده [از جانب خدا] در راه خدا ایستاده [و پایداری کرده] است.

اینجاست که امام صادق علیه السلام اوج بهره‌های ربّانی زیارت سید الشهدا علیه السلام را به تصویر می‌کشند؛ بهره‌هایی که پس از بازگشت زائر، او را در بر می‌گیرد:

فَإِذَا انْقَلَبْتَ مِنْ عِنْدِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ نَادَاكَ مُنَادٍ لَوْ سَمِعْتَ مَقَالَتهُ  
لَأَقَمْتُ عُمْرَكَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ هُوَ يَقُولُ: طُوبَى لَكَ  
أَيُّهَا الْعَبْدُ قَدْ غَنِمْتَ وَ سَلِمْتَ قَدْ غَفَرَ لَكَ مَا سَلَفَ فَاسْتَأْنِفِ  
الْعَمَلَ.

پس وقتی از نزد قبر امام حسین علیه السلام بازگشتی، منادی‌ای تو را ندا

می‌دهد - که اگر گفتار او را می‌شنیدی، همه‌ی عمرت رانزد قبر [امام] حسین علیه السلام می‌ماندی - در آن حال او می‌گوید: «بشارت باد تو را ای بنده [ای خدا]! تو بهره‌ور شدی و سلامت ماندی. آنچه [از گناهانت] که گذشت از برای تو بخشودند، پس عمل [صالح] را از سرگیر!»

سپس آن حضرت درباره‌ی لطف‌هایی که زائر امام حسین علیه السلام می‌تواند از آنها کامیاب شود، می‌فرمایند:

اگر در همان سال [زیارت] اش یا در همان شب و روزش بمیرد، جز خداوند [کسی] متولی قبض روحش نمی‌شود.

اما اگر زائر به سلامت به شهر خویش بازگردد، باز هم مشمول لطف و ویژه‌ی الهی می‌شود. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

فرشتگان با او [به‌سوی خانواده‌اش] روی می‌آورند و برایش استغفار می‌کنند و بر او درود می‌فرستند تا آنکه به خانه‌اش می‌رسد. [در این هنگام] فرشتگان عرضه می‌دارند: «پروردگارا! این بنده‌ی توست که به [زیارت] قبر فرزند پیامبرت آمد و هم اکنون به خانه‌اش رسیده است، [حال] ما کجا برویم؟» ندایی از آسمان آنان را خطاب می‌کند:

يَا مَلَائِكَتِي قِفُوا بِيَابِ عَبْدِي فَسَبِّحُوا وَ قَدِّسُوا وَ اكْتُبُوا ذَلِكَ  
فِي حَسَنَاتِهِ إِلَى يَوْمِ يَتَوَفَّى

ای فرشتگان من! بر در [خانه‌ی] بنده‌ی من بایستید و [مرا] تسبیح کنید و تقدیس نمایید و آن [تسبیح و تقدیس] را در حسنات او بنگارید، تا روزی که بمیرد.

سپس:

۱ - برای ملاحظه‌ی متن این زیارت شریف بنگرید به: (بحارالانوار ج ۱۰۱ ص ۱۶۳ به نقل از کامل الزیارات)، (مفاتیح الجنان، آداب مخصوصه زیارت امام حسین علیه السلام، ادب دهم.)

افزون بر این‌ها به ازای هر گامی که زائر مقبول، در حریم امام حسین علیه السلام بر می‌دارد، ثواب شهیدی را به او می‌بخشند که در راه خدا به خون خود غلتان شده باشد. به ازای هر کلمه‌ای که زائر پذیرفته، از زیارتنامه‌ی امام حسین علیه السلام به زبان می‌آورد، نصیبی فراوان از رحمت حق را به او عطا می‌نمایند. به ازای هر رکعت نماز زیارت، ثواب هزار حج و عمره، هزار جهاد و آزاد کردن هزار بنده در راه خدا را به چنین زائری می‌دهند. شگفت‌اینکه حضرت در ابتدای برشمردن چنین عظمت حیرت‌آوری به راوی می‌فرمایند: «می‌خواهی «بخشی» از ثوابهای زیارت سیدالشهدا را برایت برشمردم؟»

#### زائر سیدالشهدا علیه السلام و سعادت در قیامت

اینجاست که انسان این فرمایش امام باقر علیه السلام را تا حدی وجدان می‌کند که:

لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ مِنَ الْفَضْلِ لَمَاتُوا  
شَوْقًا وَ تَقَطَّعَتْ أَنْفُسُهُمْ عَلَيْهِ حَسْرَاتٍ

اگر مردم می‌دانستند چه فضیلتی در زیارت قبر حسین علیه السلام است از شوق می‌مردند و جانهایشان به خاطر حسرت بر آن حضرت، پاره پاره می‌شد.

راوی که از این فرمایش حضرت، تعجب کرده است از ایشان می‌پرسد: «چه [ثوابی] در آن است؟» حضرت می‌فرمایند:

هرکس از روی شوق به نزد او بیاید، خداوند برایش هزار حج مقبول و هزار عمره‌ی پذیرفته می‌نگارد و پاداش هزار شهید از شهدای بدر و ثواب هزار روزه‌دار و ثواب هزار صدقه‌ی مقبول [را

پس تا روزی که بمیرد، همواره بر در [خانه‌ی] اویند در حالیکه مشغول تسبیح و تقدیس خداوند هستند و آن [عبادتشان] را جزء حسنات وی می‌نگارند. پس هنگامی که بمیرد بر جنازه‌ی او و کفن و غسلش [می‌آیند] و [در] نماز بر [جنازه‌ی] او حاضر می‌شوند و می‌گویند: «پروردگار ما! ما را به در [خانه‌ی] بندهات گماردی و او هم اکنون مُرده است، پس ما کجا برویم؟» [خداوند] ندایشان می‌کند:

يَا مَلَائِكَتِي قِفُوا بِقَبْرِ عَبْدِي فَسَبِّحُوا وَ قَدِّسُوا وَ اَكْتُبُوا ذَلِكَ  
فِي حَسَنَاتِهِ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۱

ای فرشتگان من! بر قبر بنده‌ی من بایستید و [مرا] تسبیح و تقدیس نمایید و تا روز قیامت این [عبادت خود] را جزء حسنات او بنویسید.

براستی شایسته است که انسان در برابر این بلندای نامتناهی، انگشت حیرت به دهان بگیرد و مبهوت این هنگامه‌ی رحمت شود! فرشتگان الهی در آستانه‌ی زیارت به استقبال زائر می‌آیند. بعلاوه از همان ابتدا - که او مشغول مقدمات سفر است یکدیگر را به آمدن او بشارت می‌دهند. از سوی دیگر، هنگام مرگ بر بالینش حاضر می‌شوند و برایش استغفار می‌نمایند. وقتی زائر به خانه‌اش باز می‌گردد، تا روز قیامت به نیابت از او عبادت می‌کنند و ثواب آن را در نامه‌ی عملش می‌نگارند. فرشتگان، این همه را به فرمان خدایی می‌کنند که برای حسینش آبرویی و صف ناشدنی و ناگفتنی قائل است.

۱- کامل الزیارات، باب ۷۹ ح ۵.

رحمت پروردگار برای زائر سیدالشهدا علیه السلام، نمایانده می‌شود. ثواب هزار شهید بدری و هزار روزه‌ی مقبول از آن جمله‌اند. بعلاوه زائر مقبول و مشتاق اباعبدالله علیه السلام، تا یکسال از آفات مادی و معنوی بدور داشته می‌شود. خصوصاً فرشته‌ای بر او می‌گمارند که از شش جهت نگهبانش باشد و نگذارد آسیبی به وی برسد.

اینکه فرموده‌اند: «کمترین آفتی که زائر از آن مصون می‌ماند، شیطان می‌باشد». برای آن است که عظمت این نگاهبانی را نشان دهند. شیطان برای لغزاندن انسان و به هلاک افکندن او از راههای بسیار ظریف و حیل‌های بسیار لطیف استفاده می‌کند. ایستادگی در برابر او یکی از معضلات بندگان حقیقی خدا و یکی از پیکارهای دشوار هر انسانی است. عنایتی که در این باره به زائر سیدالشهدا علیه السلام می‌شود آن است که خداوند، نیرنگ و وسوسه‌های شیطان‌ها را در برابر او تضعیف می‌کند. اینگونه، ایستادگی برابر شیطان برای زائر آسانتر می‌شود. آری این کمترین بلایی است که خداوند از سر او می‌گرداند و اینگونه تکریمش می‌فرماید.

بعلاوه فرموده‌اند: اگر زائر حضرت در همان سال زیارتش از دنیا رفت، فرشتگان رحمت نزدش حاضر می‌شوند. زائر پذیرفته از ایستگاههای مختلف قبر و قیامت سر به سلامت می‌برد تا آنکه با

به او می‌دهد] و ثواب [آزادکردن] هزار بنده - که به آن رضای خدا را قصد نموده باشد - [به او عطا می‌فرماید] و در آن سال [زیارت] اش از هر آفتی مصون است که ساده‌ترین آن [آفت‌ها] شیطان است. فرشته‌ی بزرگواری بر او گماشته می‌گردد که از پیش رو و پشت و از طرف راستش و از طرف چپ و از بالای سر و از زیر پایش او را محافظت می‌کند. پس اگر در آن سال [زیارت] اش بمیرد، ملائک رحمت نزدش حاضر می‌شوند و در غسل و کفن کردن و استغفار برایش حضور می‌یابند و او را با استغفار به سوی قبرش مشایعت می‌کنند. قبرش تا آنجا که چشمش کار می‌کند برای او گشاده می‌شود. و خداوند او را از فشار قبر ایمنی می‌دهد و از منکر و نکیر از اینکه بترسانندش آسوده می‌دارد. برای او دری به سوی بهشت گشوده می‌گردد و نامه‌ی عملش به دست راستش داده می‌شود. روز قیامت نوری به او داده می‌شود که به نورش [فاصله‌ی] میان مشرق و مغرب [محشر] روشن می‌گردد.

آن‌گاه حضرت می‌فرماید:

و يُنَادِي مُنَادٍ: «هَذَا مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ شَوْقًا إِلَيْهِ» فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا تَمَّتْ يَوْمَئِذٍ أَنَّهُ كَانَ مِنْ زُوَارِ الْحُسَيْنِ<sup>۱</sup>

و منادی ندا در می‌دهد: «این است آن که حسین علیه السلام را از روی شوق به او زیارت کرد». پس احدی در روز قیامت باقی نمی‌ماند مگر آنکه آن روز آرزو می‌کند [کاش] از زوار حسین علیه السلام می‌بود.

در این روایت شریف، تصویرهای دیگری از اقیانوس بی‌کرانه‌ی

۱- کامل‌الزیارات باب ۵۶ ح ۳.

۱- در روایت پیشین (ص ۳۷ تا ۴۰) حضور ملائک در غسل و کفن و دفن و نماز بر زائر، به همان سال زیارتش اختصاص داده نشده بود. در این روایت چنین قیدی را وارد فرموده‌اند. در مقام جمع میان این دو روایت می‌توان گفت: احتمالاً روایت حاضر بیانگر قید روایت پیشین است و بنابراین تسبیح و تقدیس ملائک تا روز قیامت، برای زائری نگاشته می‌گردد که در همان سال زیارتش از دنیا برود.

چهره‌ای نورانی به بهشت وارد می‌شود. خداوند متعال به چنین زائری بر همه‌ی اهل محشر مباحات می‌کند.

### ترک زیارت امام حسین علیه السلام و حسرت قیامت

اینجاست که حسرت‌ها برانگیخته می‌شود. <sup>۱</sup> همگان در قیامت تمنا می‌کنند کاش از این چشمه‌ی برکت نوشیده بودند. البته شاید بهشتیانی که زائر سید الشهداء نبوده‌اند هم این افسوس را داشته باشند چرا که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ هُوَ يَزْعُمُ أَنَّهُ لَنَا شِيعَةٌ حَتَّى يَمُوتَ فَلَيْسَ هُوَ لَنَا بِشِيعَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَهُوَ مِنْ ضِيفَانِ أَهْلِ الْجَنَّةِ <sup>۲</sup>

هرکس که به [زیارت] قبر حسین علیه السلام نیاید، <sup>۳</sup> تا بمیرد - در حالیکه

۱ - در روایتی فرموده‌اند: خداوند کسی را که از روی شوق به زیارت سید الشهداء رفته در کنار پیامبر اکرم، حضرت صدیقه و امیر مؤمنان علیهما السلام بر سفره‌های بهشتی می‌نشانند در حالیکه سایر مردمان هنوز در موقف «حساب» گرفتارند. (کامل الزیارات، باب ۵۲، ح ۲)

۲ - کامل الزیارات باب ۷۸ ح ۳

۳ - توجه شود که این «نیامدن» در صورتی است که شرایط اضطرار حاکم نباشد. اگر فرد - با ملاحظه‌ی همه‌ی شرایط - «بتواند» به زیارت آن حضرت مشرف شود، اما نسبت به آن بی‌رغبتی نشان دهد و به کربلا «نیاید» شامل این سرزنش می‌شود. بنابراین، مذمت این روایت کسانی را شامل نمی‌شود که استطاعت قدم نهادن در این سفر را ندارند. این برداشت را روایت بعدی (روایت مسموع) تأیید می‌کند.

در روایت بعدی خواهیم دید که راوی به علت هراسی که بر جان خود داشته از دشمنان اهل بیت علیهم السلام، تقیه می‌کرده و به زیارت امام حسین علیه السلام نمی‌آمده است. او آنقدر به آن حضرت علاقه داشته که یادآوری مصیبت ایشان خوش‌گواری آب و غذا را از وی می‌گرفته است. امام صادق علیه السلام نیز <sup>۴</sup>

می‌پندارد شیعه [ی واقعی] ماست - شیعه‌ی [حقیقی] ما نیست و اگر از اهل بهشت باشد، از میهمانان اهل بهشت است. صاحب خانه‌های بهشت، زوّار اباعبدالله علیه السلام اند. مؤمنان بهشتی که از این ویژگی مهم برخوردار نیستند، میهمان کربلائیان هستند و سر سفره‌های آنها می‌نشینند. این به خاطر آن است که شیعه‌ی حقیقی، همین زوّار حسینی‌اند. اینان با معرفتی سرشار و اعتقادی ژرف، حَقّ خدا و رسولش را به جای آورده‌اند. <sup>۱</sup> اکنون نیز پاداش این وفا به عهد الهی را دریافت می‌دارند.

### داغدار اباعبدالله الحسین علیه السلام و ثواب‌های شگفت

اما اگر فرد به هر دلیل، واقعاً توانایی رفتن به زیارت کربلا را ندارد، می‌تواند از این نهر مهر پروردگار توشه بردارد. ممکن است دلبسته‌ای - با وجود شوق و محبت - از دیدار امام حسین علیه السلام بازماند. در این صورت باز هم امید هست که با پیوستن به سفینه‌ی نجات، مشمول التفات اهل بیت علیهم السلام شود.

امام صادق علیه السلام به یکی از یاران‌شان فرمودند: «ای مسموع! تو از اهل عراقی. آیا [به زیارت] قبر حسین علیه السلام نمی‌آیی؟» عرض می‌کند: «نه، من نزد اهل بصره مردی مشهورم و نزد ما کسی است که از خواسته‌ی این خلیفه [ی مخالف اهل بیت علیهم السلام] تبعیت می‌کند و دشمنان ما از اهل

<sup>۴</sup> نه تنها او را به خاطر زیارت نرفتنش سرزنش نمی‌کنند بلکه به خاطر اشک و آهش بر سید الشهداء علیه السلام به تحسین و ترغیبش می‌پردازند و وعده‌ی ثواب‌های عظیمی به او می‌دهند.

۱ - امام صادق علیه السلام زیارت اباعبدالله را حقی از حقوق الهی و نبوی معرفی می‌کنند که برای مؤمنان با معرفت بالا، حکم یک فریضه را دارد. (کامل الزیارات باب ۴۳ ح ۴)



خدا را سپاس که ما را به رحمت بر آفریدگانش برتری داد و ما اهل بیت را به رحمت [خویش] ویژگی بخشید.

آن‌گاه در ترسیم ارزش‌اشکهای مشفقانه بر مصیبت اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید:

يَا مِسْمَعُ إِنَّ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ لَتَبْكِي مُنْذُ قُتِلَ  
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام رَحْمَةً لَنَا وَ مَا بَكَى لَنَا مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَكْثَرُ وَ  
مَا رَقَاتِ دُمُوعِ الْمَلَائِكَةِ مُنْذُ قُتِلْنَا وَ مَا بَكَى أَحَدٌ رَحْمَةً لَنَا وَ  
لِمَا لَقِينَا إِلَّا رَحِمَهُ اللَّهُ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ الدَّمْعَةُ مِنْ عَيْنِهِ فَإِذَا  
سَأَلَتْ دُمُوعُهُ عَلَى خَدِّهِ فَلَوْ أَنَّ قَطْرَةً مِنْ دُمُوعِهِ سَقَطَتْ فِي  
جَهَنَّمَ لَأَطْفَأَتْ حَرَّهَا حَتَّى لَا يُوجَدَ لَهَا حَرٌّ وَ إِنَّ الْمُوجِعَ لَنَا  
قَلْبُهُ لَيَفْرَحُ يَوْمَ يَرَانَا عِنْدَ مَوْتِهِ فَرِحَةً لَا تَزَالُ تِلْكَ الْفَرِحَةُ فِي  
قَلْبِهِ حَتَّى يَرِدَ عَلَيْنَا الْحَوْضَ

ای مسمع! از روزی که امیرمؤمنان به شهادت رسید، زمین و آسمان به‌خاطر ترخم بر حال ما و به‌خاطر [داغ] آن [مصیبتی] که به ما رسید، بر ما می‌گریند. [تعداد] فرشتگانی که برای [مصیبت‌های] ما می‌گریند بیشتر [از اینها] است. اشک‌های ملائک از روزی که ما کشته شدیم؛ [هنوز] خشک نشده است. کسی به‌خاطر ترخم بر [حال] ما و در اثر [مصیبت زدگی برای] ما، گریه نکرد، مگر آنکه خداوند پیش از آنکه اشک از چشمش بیرون آید، او را آمرزید. پس هنگامی که اشک‌هایش بر گونه‌اش جاری می‌شود، اگر قطره‌ای از اشک‌هایش در جهنم بیفتد، حرارت آن را خاموش می‌کند تا آنکه حرارتی برای آن نمی‌ماند. کسی که به‌خاطر ما دلش دردمند باشد، روزی که ما را در وقت مرگش

قبایل ناصبی‌ها و غیر آنها فراوانند ...<sup>۱</sup>

حضرت از او می‌پرسند: «[حال که چنین است] پس آیا آنچه را که بر سر او (امام حسین علیه السلام) آمد، یاد می‌کنی؟»  
- آری!

- پس [از این یادآوری]، بی تاب [و اشک بار] می‌شوی؟  
- به خدا سوگند آری و بر این [مصیبت] اشک می‌ریزم تا آنکه خانواده‌ام اثر آن را در من می‌بینند، تا آن‌جا که از غذا [خوردن] باز می‌مانم و این [غم و اندوه و اشک] در صورتم نمایان می‌شود.

- خداوند به اشک تو رحمت آورد. بدان! که تو از کسانی شمرده می‌شوی که از اهل بی‌تابی برای [مصیبت] ما به حساب می‌آیند و [از] کسانی [هستی] که به شادمانی ما شادمان می‌شوند و به اندوه ما اندوهگین می‌گردند. [جزء کسانی هستی که] به [واسطه‌ی] هراس ما هراسناک می‌گردند و وقتی ما در ایمنی هستیم، آسوده‌اند. بدان که تو در هنگام مرگت، حضور پدرانم را برای [نجات] خویش می‌بینی و سفارش آنها به فرشته‌ی مرگ را درباره‌ی خود [می‌نگری]. آن بشارتی که به تو تلقین می‌کنند برتر [از این سفارش ایشان] است. فرشته‌ی مرگ بر تو دلسوزتر و برای تو بسیار مهربان‌تر از مادر دلسوز بر فرزندش می‌باشد.

در این هنگام مسمع و امام علیه السلام هر دو به‌گریه می‌افتند. سپس حضرت ادامه می‌دهند:

۱ - ظاهر آنکه علت راوی نمی‌توانسته به زیارت برود این بوده که از آزار و اذیت دشمنان اهل بیت علیهم السلام می‌ترسیده و در واقع از آنها تقیه می‌کرده است.



می‌بیند، شادمان می‌گردد؛ به شادکامی‌ای که همواره در قلب او هست تا [در کنار] حوض [کوثر] بر ما وارد شود.<sup>۱</sup>

اشکی که در مصیبت اهل بیت علیهم‌السلام فرو می‌گلتد، در غلتانی است که می‌تواند دل‌داده‌ی غمزده را به حوض کوثر برساند. این اشکها از نعمت‌های بهشت به او می‌خورانند و می‌آشامانند. اهل بیت علیهم‌السلام بر بالین اهل اشک بر مصیبت حسینی حاضر می‌شوند و سفارش او را به عزرائیل می‌کنند. این توصیه‌ی مبارک، باعث می‌شود فرشته‌ی مرگ با مدارای تمام و مهربانی با فرد محتضر برخورد نماید. این اشک، هرچند یک قطره باشد، زبانه‌های آتش جهنم را خاموش می‌کند. این قطره‌های ارزشمند گناهان فرد را فرو می‌ریزند و باعث سعادت‌مندی ابدی او می‌شوند.<sup>۲</sup> این شادمانی‌های اخروی، همه حاصل غصه‌هایی است که این مؤمن، در مصیبت اهل بیت علیهم‌السلام به جان خریده است. آن اندوه‌ها و

۱- کامل‌الزیارات، باب ۳۲ ح ۶

۲- توجه شود که چنین وعده‌ای هرگز جواز معصیت برای کسی صادر نمی‌کند. نمی‌توان اندیشید: «چون این وعده را داده‌اند پس می‌توانیم هر قدر خواستیم گناه کنیم و بعد با یک قطره اشک همه‌ی آنها را برطرف نماییم». هر چند اشک افشانیدن بر مصیبت امام حسین علیه‌السلام از عبادات بسیار ارزشمند است؛ اما آثار مبارک آن، هنگامی برای فرد، به بار می‌آید که این عبادت از او «قبول» شود. حال اگر کسی در برابر گناه، جری و سهل‌انگار شده باشد و بی‌محابا از حدود تجاوز نماید، قاعدتاً نمی‌تواند به تحقق این وعده مطمئن باشد. چنین وعده‌ای بر اساس ضوابط برای کسی محقق است که با وجود بنا گذاشتن بر اطاعت از اوامر و نواهی خدا، در عین حال لغزشهایی را مرتکب شده است. نیز این وعده‌ها برای کسی به وقوع می‌پیوندد که با وجود گناهان بسیار تصمیم گرفته توبه کند و از کرده‌های ناپسند خود بازگردد. حاصل آنکه: چنین وعده‌ای یا برای فردی متقی کارساز است که لغزش‌هایی ناخواسته دارد، یا روند پذیرش انابه‌ی فرد توبه کار را بسیار تسریع می‌کند. لذا چنین وعده‌ای یقیناً نمی‌تواند به عنوان راهی میان‌بر تلقی شود و خیال انسان را از سیاه‌کاری‌های مختلفش راحت کند.

بغض‌ها اکنون لبخند نیک بختی را به چهره‌اش می‌نشانند. آری، کسی که بر عطش عزیز زهر علیه‌السلام و کودکان خسته جاننش گریسته و دلخسته شده، آن روز از چشمه‌ی خیر کثیر، نوش خواهد کرد؛ آن‌گونه که هیچگاه تشنه‌نگردد.

نکته‌ی قابل توجه این است که به فرموده‌ی امام صادق علیه‌السلام، آسمانها و زمین بر این مصیبت‌ها گریسته‌اند. بعلاوه فرشتگان بسیاری در این داغ بی‌تسلّی اشک افشانده‌اند. اینان هیچگاه از مویه کردن و زار زدن باز نایستاده‌اند و قطره‌های اشکشان هیچگاه خشکیده است.

در زیارتی که در فصل چهارم از همین رساله خواهید خواند؛ زائر به این ملائک زائر و اشک افشان اشاره می‌کند. نیز از خداوند می‌خواهد به واسطه‌ی آنان به او نظر رحمت فرماید؛ آن‌جا که عرضه می‌دارد:

يا ابا عبد الله يا حسين! ابن رسول الله! جئتك مستشفعاً بك  
إلى الله، اللهم اني استشفع إليك بولد حبيبك، وبالملائكة  
الذين يضحون عليه و يبكون و يصرخون، لا يفترون و  
لا يسأمون و هم من خشيتك مشفقون، و من عذابك  
حذرون، لا تغيرهم الأيام، و لا يهرمون، في نوحى الحير  
يشفقون، و سيدهم يرى ما يصنعون؛ و ما فيه يتقلبون،  
قد انهملت منهم العيون فلا ترقأ، و اشتد منهم الحزن بحرقه  
لا تطفاً.

و بگو: «ای ابا عبدالله علیه‌السلام! ای حسین علیه‌السلام، ای پسر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم! نزد تو آمدم در حالی که به واسطه‌ی تو نزد خدا شفیع

باشد. چنین کسی در عین حال که به بشارت‌های اهل بیت علیهم‌السلام ایمان کامل دارد احتمال دست خالی ماندن خود را منتفی نمی‌داند. این ویژگی رافرشتگان گریان بر سیدالشهدا علیهم‌السلام به کمال دارا هستند. اینان در عین انجام عبادتی چنین والا، همچنان خود را دچار تقصیر می‌بیند و از عذاب الهی می‌هراسند.

نکته‌ی زیبای دیگری که می‌توان بر اساس روایت پیشین به آن پرداخت؛ اینکه: مسمع از حالات خود در غم حضرت سیدالشهدا علیهم‌السلام به امام صادق علیهم‌السلام، گزارش داد. او عرضه داشت: «به خاطر مصائب امام حسین علیهم‌السلام، آب خوش از گلویم پایین نمی‌رود و نمی‌توانم دست به غذا ببرم». دیدیم که حضرت از حالت این دوستدار خود، چه تجلیلی کردند. شاید این بدان خاطر باشد که چنین روحیه‌ای، حکایت از محبت شدید فرد به امام حسین علیهم‌السلام دارد. اگر کسی برای انسان خیلی عزیز باشد، وقتی بلایی بر سرش بیاید، دلشوره‌ی او انسان را بی‌تاب می‌کند. اگر انسان خبر دار شود که عزیزش را تشنه و گرسنه و... به شهادت رسانده‌اند؛ این مسأله آنقدر برای او گران تمام می‌شود که روزگار او را سیاه می‌کند. هرچه این محبت ریشه دارتر باشد، حال انسان در مصیبت عزیزش منقلب‌تر خواهد بود.

#### دو محور کلی در آداب زیارت سیدالشهدا علیهم‌السلام

چنین است که ائمه علیهم‌السلام به زائران سیدالشهدا، توصیه فرموده‌اند که در این سفر به قصد خوش گذرانی پای نگذارند. به عنوان مثال امام باقر علیهم‌السلام، به یکی از یاران خود می‌فرماید: «اینکه [امام حسین علیهم‌السلام] را زیارت می‌کنید بهتر از آنست که زیارت نمی‌کنید و اینکه زیارت

می‌جستم. خدایا من به‌سوی تو به واسطه‌ی فرزند محبوبت شفاعت می‌طلبم و به فرشتگان [نزد تو شفیع می‌جویم] که بر [مصیبت] او ضجه می‌زنند و می‌گیرند و فریاد می‌کشند. [در اشک و آهشان] از پا نمی‌ایستند و خسته نمی‌شوند و از خشیت تو در هراسند و از عذاب تو می‌پرهیزند، روزگاران آنها را تغییر نمی‌دهد و پیر نمی‌شوند. از اطراف حائر دور نمی‌شوند در حالی که گریه و ناله سر می‌دهند؛ در حالی که آقایان می‌بیند که چه می‌کنند و در چه [احوالی] زیر و رو می‌شوند. چشم‌هایشان می‌گرید و [اشکشان] خشک نمی‌شود و حزن [و اندوه] بر آنها شدت یافته به داغی که سرد نمی‌گردد.»

گریه و ضجه‌ی ملائک آنقدر دامن‌دار است که به فریاد می‌آیند. اشک‌هایشان نمی‌خشکد و گذشت روزها فرسوده‌شان نمی‌کند. تداوم مویه و نوحه، هر قدر بالا بگیرد، خسته و سستشان نمی‌سازد. در مشهد و محضر اباعبدالله علیهم‌السلام در شراره‌های اندوه به خود می‌پیچیند. این آتش شعله‌ور در عمق جان‌شان هیچگاه روی سردی و خاموشی را نمی‌بیند.

فرشتگان معصومند و مشغول عبادتی قدر دانستنی شده‌اند. در عین حال آنان را هراسان از عذاب الهی و ترسان از تقصیر معرفی می‌نماییم. این خودزنگ هشدار در گوش ماست. نیندازیم که بشارت‌هایی چون «آمرزش»، «بهشتی شدن» و «دوری از جهنم» می‌تواند ترس و هراس ما از عذاب الهی را از میان ببرد و خیالمان را آسوده کند. نمی‌توان به امید چنین پشتوانه‌ای روی حدود الهی پای گذاشت و دغدغه‌ی عقاب پروردگار را نداشت. مؤمن واقعی کسی است که به موازات امید به دستگیری پروردگار، از خشم او در هراس و نگرانی



نمی‌کنید بهتر از آنست که زیارت می‌کنید.» راوی شگفت زده می‌گوید:  
«پشتم را [با این فرمایش] شکستید!» حضرت ادامه می‌دهند:

تَاللّٰهِ اِنَّ اَحَدَكُمْ لَيَذْهَبُ اِلَى قَبْرِ اَبِيهِ كَنِيْبًا حَزِيْنًا وَّ تَأْتُوْنَهُ اَنْتُمْ  
بِالسُّفْرِ كَلًا حَتّٰى تَأْتُوْنَهُ شُعْنًا غَيْرًا ۱

به خدا سوگند یکی از شما به سوی قبر پدرش می‌رود در حالی که گرفته و اندوهگین است؛ در حالیکه شما به نزد او (امام حسین علیه السلام) با سفره‌های غذا می‌آیید؛ هرگز [این زیارت شما شایسته نیست] تا اینکه ژولیده و غبارزده نزد ایشان بیایید.

کسی که پدر خود را عزیز می‌دارد، امکان ندارد که به قصد تفریح<sup>۲</sup> و عیش و نوش بر سر قبر او حاضر شود. حضرت به راوی اعتراض می‌کنند که: «وقتی شما به زیارت حضرت اباعبدالله علیه السلام نیز می‌روید باید چنین حالتی داشته باشید». همراه بردن و خوردن غذاهای چرب و شیرین<sup>۳</sup> در کربلا، کار کسی نیست که پیوستگی عمیق با سیدالشهدا علیه السلام دارد.

اساساً در زمینه‌ی آداب خاصّ زیارت سیدالشهدا علیه السلام دو محور کلی وجود دارد:

نخست آنکه در روایات بیان فرموده‌اند که: «امام حسین علیه السلام گرسنه

۱- کامل الزیارات باب ۴۷، ح ۴.

۲- امام صادق علیه السلام گروهی را که برای خوش گذرانی به این سفر پانهاده‌اند، مذمت می‌کنند و می‌فرمایند: «اگر اینان قبرهای مادران و پدرانشان را زیارت می‌نمودند چنین نمی‌کردند» (کامل الزیارات باب ۴۷ ح ۲) در متن زیارتی که خواهید دید نیز توصیه شده که انسان از شوخی کردن در این سفر پرهیز کند.

۳- در روایتی بردن سفره‌هایی که حاوی چنین خوردنیهایی است، مورد مذمت قرار گرفته است و فرموده‌اند: «[کسانی که این‌گونه‌اند] اگر قبرهای محبوب هایشان را زیارت می‌نمودند، چنین چیزهایی با خود نمی‌برند» (کامل الزیارات باب ۴۷ ح ۳)

و تشنه به شهادت رسیدند، پس شما هم هنگام زیارت ایشان، اینگونه باشید.<sup>۱</sup> یا آنکه در متن زیارتی که خواهید خواند، از قول امام صادق علیه السلام آمده است: «مادام که مقیم در کربلای گوشت نخور».<sup>۲</sup>

این توصیه‌ها نشان می‌دهد که زائر دل‌داده باید با دلدار خود همدردی کند و در تشنگی و گرسنگی او شریک شود. شیفته‌ی امام حسین علیه السلام راضی نمی‌شود زیر آسمانی که شاهد به خود پیچیدن اطفال حسین علیه السلام بوده، همان غذایی را بخورد که همه جا می‌خورد. دلش نمی‌آید که همیشه سیر و سیراب باشد. این دیار، دیار مصیبت دیدگی و داغ زدگی است. کسی که این جامی آید اگر در دل سپردگی خود صادق است، باید در دبکشد. اگر همدرد مولای خود است، باید سر سوزنی از رنج ایشان را به جان بخرد.

محور دومی که در آداب زیارت حضرت اباعبدالله علیه السلام مورد توصیه قرار گرفته، این است که انسان، در این هنگام، همانند محبوب از جان

۱- کامل الزیارات، باب ۴۸ ح ۳

۲- به جای این، توصیه فرموده‌اند که غذاهای ساده‌ای مثل نان و ماست صرف شود (کامل الزیارات باب ۴۷ ح ۲) البته ممکن است گفته شود: «توصیه به نخوردن گوشت در کربلای معلی بدین خاطر بوده که در عصر ائمه علیهم السلام، گوشت یک غذای تشریفاتی و مجلل به حساب می‌آمده.» اگر این احتمال را صحیح بدانیم چون غذای گوشتی در زمان ما، عرفاً چنان حکمی ندارد، بنابراین مشمول منع اهل بیت علیهم السلام نمی‌شود.

نکته‌ی دیگری که در این زمینه باید مد نظر داشت، آن که: ممکن است برخی افراد در اثر نخوردن گوشت در چند روزه‌ی اقامت در کربلا، دچار ضعف و بیماری مزاجی شوند و توان زیارت کردن را از دست بدهند. مسلماً برای چنین افرادی خوردن گوشت - به قدر ضرورت - معنی ندارد. اما به هر حال باید سعی کرد غذاها و پذیرایی‌ها تا حد امکان جنبه‌ی تشریفاتی پیدا نکند و سفر کربلا به شکل خوش گذرانی در نیاید.

عزیزترش، گرفته و ژولیده و غبار آلوده باشد.<sup>۱</sup>

معمولاً افراد مصیبت دیده را می‌توان از ظاهرشان شناخت. اینان چندان حوصله‌ی آن را ندارند که به ظاهر خود رسیدگی کنند و خوش لباس باشند. سر و رویشان داد می‌زند که درمانده و دردمندند. حال کسی که به زیارت غریب دشتِ طف می‌رود، باید چنین حالی باشد. از همین روست که در متن زیارتی که خواهد آمد توصیه فرموده‌اند که: «روغن به سر و موی خود نمال و سرمه به چشم نکش (زینت نکن)». همین زینت نکردن و شوریده سر بودن، نشانه‌ی وسعت دل‌بستگی به آن حضرت است و می‌تواند باعث جلب عنایت ایشان شود.

## فصل دوم

### جلوه‌هایی از

عنایت ویژه‌ی اهل بیت علیهم‌السلام

به زائر سیدالشهدا

۱- کامل‌الزیارات، باب ۴۸ ح ۳